



## The Impact of Postmodern Criminal Law on the Reactive Response System to Juvenile Crimes in Islamic Countries

Atiye Vejdani Fakhr<sup>1</sup>, Shahraddad Darabi<sup>2</sup>, Batool Pakzad<sup>3</sup>, Hamid Reza Adabi<sup>4</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Postmodern or eclectic criminology is a theoretical branch of critical criminology that emerged in the 1990s, emphasizing the role of language, power, and subjectivity, influenced by the ideas of the German philosopher Friedrich Nietzsche. This approach challenges traditional criminal law concepts of crime and justice, viewing crime as a result of the disruption of marginalized discourses and inequalities in the distribution of power within society. The aim of this study is to examine the possibility of integrating postmodern approaches with Islamic teachings in a responsive justice system addressing juvenile delinquency in Islamic countries.

**Method:** This research is descriptive-analytical and involves a literature review on postmodern criminology, postmodern criminal law, Islamic teachings, and restorative justice. Additionally, it analyzes the impact of integrating these approaches by examining existing programs and interventions aimed at reducing recidivism and rehabilitating children and adolescents.

**Findings and Conclusions:** The results indicate that postmodern criminal law, by critiquing traditional structures and emphasizing the humanization of criminal justice especially concerning juvenile offenses proposes conciliatory and consensual reactive approaches instead of state violence and coercion. In Islamic countries, Sharia teachings and restorative justice principles complement this approach, emphasizing rehabilitation, moral education, and alternative punishments. effective role in reducing recidivism and social reintegration of adolescents. Islamic judicial systems, by employing restorative justice and the concept of the child's best interest (Maslahah Aliyah), can offer a coherent model for responsive justice. Ultimately, integrating postmodern approaches with Islamic principles has the potential to reduce the crime cycle and enhance the social rehabilitation of children and adolescents.

**Keyword:** Criminal Law, Postmodern, Juveniles, Adolescents, Islamic Countries, Proactive Responses.

\*Citation (APA): Vejdani Fakhr, A., Darabi, S.H., Pakzad, B., Adabi, A. (2025). The Impact of Postmodern Criminal Law on the Reactive Response System to Juvenile Crimes in Islamic Countries. *Applied criminology research*, 3(8), 69-87.

[https://www.qacr.ir/article\\_729952.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_729952.html?lang=en)

1. Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, North Tehran Branch Faculty of Law, Azad University, Tehran, Iran. Email: Vejdanifakhr.at@gmail.com

2. Department of Law, Islamic Azad University, Qom, Iran. (Corresponding Author). Email: Shahraddad.darabi@iau.ir

3. Department of Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: d.b.Pakzad@gmail.com

4. Department of Law, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran. Email: Hr.Adabi@yahoo.com



## اثرگذاری جرم‌شناسی پست مدرن بر نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی

عطیه وجدانی فخر<sup>۱</sup>، شهرداد دارابی<sup>۲</sup>✉، بتول پاکزاد<sup>۳</sup>، حمیدرضا آدابی<sup>۴</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** جرم‌شناسی پست مدرن یا التقاطی، شاخه‌ای نظری از جرم‌شناسی انتقادی است که از دهه ۱۹۹۰ میلادی با تأکید بر نقش زبان، قدرت و ذهنیت و تحت تأثیر اندیشه‌های فیلسوف آلمانی، فردریش نیچه شکل گرفت. این رویکرد، ایده‌های سنتی حقوق کیفری درباره جرم و عدالت را به چالش کشیده و جرم را ناشی از قطع گفتمان‌های غیرغالب و نابرابری در توزیع قدرت در جامعه می‌داند. هدف این پژوهش بررسی امکان تلفیق رویکردهای پست مدرن با آموزه‌های اسلامی در نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال در کشورهای اسلامی است.

**روش:** این تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی، با مرور ادبیات مربوط به جرم‌شناسی پست مدرن، آموزه‌های اسلامی و عدالت ترمیمی انجام شده است. همچنین با بررسی برنامه‌ها و مداخلات موجود در زمینه کاهش بازگشت به جرم و بازپروری کودکان و نوجوانان، تأثیر تلفیق این رویکردها تحلیل شده است. **یافته‌ها و نتایج:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جرم‌شناسی پست مدرن با نقد ساختارهای سنتی و تأکید بر انسانی‌سازی عدالت کیفری، به‌ویژه در جرایم اطفال و نوجوانان، رویکردهای واکنشی صلح‌جویانه و توافقی را به جای خشونت و زورگری دولت پیشنهاد می‌کند. در کشورهای اسلامی، آموزه‌های شریعت و اصول عدالت ترمیمی مکمل این رویکرد بوده و بر بازپروری، تربیت اخلاقی و استفاده از مجازات‌های جایگزین تأکید دارند. برنامه‌هایی مانند آموزش مهارت‌های اجتماعی و شغلی، تقویت سلامت روان، مداخلات خانوادگی و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، نقش مؤثری در کاهش بازگشت به جرم و بازسازی اجتماعی نوجوانان دارند. سیستم‌های قضایی اسلامی با بهره‌گیری از عدالت ترمیمی و مفهوم مصلحت‌عالیه کودک، می‌توانند الگویی منسجم برای پاسخ‌دهی کنشی ارائه دهند. در نهایت، تلفیق رویکردهای پست مدرن با اصول اسلامی قابلیت کاهش چرخه جرم و ارتقای بازسازی اجتماعی کودکان و نوجوانان را داراست.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق کیفری، جرم‌شناسی پست مدرن، اطفال، کشورهای اسلامی، پاسخ‌دهی کنشی.

\*استناددهی (APA): وجدانی فخر، عطیه؛ دارابی، شهرداد؛ پاکزاد، بتول؛ آدابی، حمید. (۱۴۰۴). اثرگذاری جرم‌شناسی پست مدرن بر نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۸)، ۶۹-۸۷.

[https://www.qacr.ir/article\\_729952.html](https://www.qacr.ir/article_729952.html)

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: Vejdanifakhr.at@gmail.com

۲. گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: Shahraddar.darabi@iau.ir

۳. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: d.b.Pakzad@gmail.com

۴. گروه حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Hr.Adabi@yahoo.com



## مقدمه

تحولات تاریخی جرم‌شناسی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر تحت تاثیر نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی کلاسیک ومدرن بر اصول و قواعد سخت‌گیرانه‌ای استوار بود که در این رویکرد، جرم به عنوان نقض نظم اجتماعی و تهدیدی برای امنیت عمومی شناخته می‌شد و پاسخ دادن به آن عمدتاً از طریق مجازات‌های بدنی و زندان‌ها صورت می‌گرفت؛ اما با ظهور نظریات نوین در اواخر قرن بیستم، تحولاتی عمده در نظام‌های کیفری جهانی به‌ویژه در کشورهای غربی ایجاد شد. این تحولات که در قالب حقوق کیفری پست‌مدرن شکل گرفتند، به طور بنیادی به نقد و بازنگری در مفاهیم قدیمی عدالت، مجازات و مفهوم قدرت پرداخته‌اند.

به طور خاص، جرم‌شناسی پست‌مدرن جرم را برساخته ذهنیت، قدرت و گفتمان می‌داند؛ و برخلاف رویکردهای سنتی، به‌جای تمرکز بر مجازات‌های سخت و انتقام‌جویانه، بر اصلاح و توانمندسازی مجرمان تأکید دارد. این رویکرد که تحت تأثیر گفتمان‌های فلسفی و اجتماعی پست‌مدرن شکل گرفته است، بر تأثیرات ساختار قدرت در نظام‌های حقوقی و نحوه شکل‌گیری مفاهیم عدالت و مجازات تأکید دارد. در این مکتب فکری، موضوعات بنیادی چون نظریه‌های فردگرایانه، حقوق بشر و جایگزینی مجازات‌های سخت‌گیرانه با روش‌های اصلاحی و تربیتی برجسته می‌شوند؛ زیرا در این رویکرد، قدرت به عنوان عاملی پیچیده در شکل‌دهی به قوانین و رویه‌های قضایی شناخته می‌شود و بر لزوم کاهش تأثیر آن در مواجهه با اطفال و نوجوانان تأکید می‌شود. این تغییرات در پی تغییرات گسترده اجتماعی، فرهنگی و فلسفی شکل گرفته است که در آن‌ها تأکید بیشتری بر کرامت انسانی، بازسازی هویت مجرمان و هم‌راستایی با اصول حقوق بشر شده است. جرایم اطفال و نوجوانان یکی از نگرانی‌های اصلی است که اغلب، نوع واکنش به اعمال آنها، همواره در طول تاریخ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ زیرا روحیه لطیف و حساس انسان در سنین اولیه‌ی زندگی مقتضی واکنشی منحصر به فرد است و اقدامات واکنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در طول زمان همراه با جرم، تکامل یافته است. در دوره اول، نوجوانان مانند بزرگسالان تنبیه می‌شدند و هدف اصلی از مجازات سرکوب بود که امروزه کاملاً متفاوت است.

در زمینه مجازات مجرمان کودک و نوجوان، باید سیستم پرکاربرد پذیرفته شود که در درجه اول اولویت آن حمایت و آموزش کودکان و نوجوانان است؛ بنابراین، در قانون مربوط به مجرمین کیفری کودک و نوجوانان و حمایت قانونی از آنها باید دستورات آموزشی را معرفی کرد که هدف اصلی آن کاهش رفتار نهدی با نوجوانان و کمک به بازپروری آنها از طریق مشارکت فعال و بهبود روابط با قربانی است. برای این منظور، ارجح‌ترین اقدامات، اقدامات آموزشی است که هدف اصلی آن کمک‌رسانی است.

در بسیاری از کشورهای اسلامی، مجازات می‌تواند برای کودکانی که مرتکب جرایم جنایی شده‌اند اعمال شود. این موضوع به قانون جزایی نیز مرتبط است که به گفته ون بلمن، قانون و پاسخ‌های واکنشی مربوط به آن جرایم به اهداف، ظرفیت کاری و سازمان‌دهی نهادهای کیفری بستگی دارد؛ که در کشورهای اسلامی باید دستورات شرعی ملاک قانون‌گذاری قرار گیرند تا آن قوانین برای مردم جامعه اسلامی حجیت داشته باشد؛ بنابراین اعمال رویکرد و شاخصه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن به‌ویژه در کشورهای اسلامی که سیستم‌های حقوقی آن‌ها با ترکیبی از قواعد قانونی و دینی شکل گرفته‌اند، با چالش‌هایی روبه‌رو است. در این کشورها، ضرورت تطابق اصول پست‌مدرن با ارزش‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی هر جامعه، به‌ویژه در حوزه عدالت کیفری نوجوانان، قابل توجه است.

در ایران، به عنوان یکی از کشورهای اسلامی با سیستم حقوقی پیچیده، تغییرات قابل توجهی در قانون مجازات اسلامی، به‌ویژه در مورد مجازات اطفال و نوجوانان، مشاهده می‌شود. طبق قانون مجازات اسلامی، توجه ویژه‌ای به جایگزینی مجازات‌های سخت با تدابیر اصلاحی، از جمله آموزش‌های اجتماعی و برنامه‌های بازپروری، معطوف گردید. در این کشور، رویکرد پست‌مدرن حقوق کیفری موجب شده است که عدالت ترمیمی، جایگزین مجازات‌های سخت و زندان‌های طولانی برای نوجوانان شود. در مصر نیز، تغییرات مشابهی در نظام پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان مشاهده می‌شود.

بنابراین سؤال اصلی که در این مقاله در پی پاسخ‌گویی به آن می‌باشیم، آن است که پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان با تأسی از آموزه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن تأثیر چگونه است؟

در نهایت در این نوشتار، با هدف بررسی تأثیر جرم‌شناسی پست‌مدرن بر نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی، به تحلیل تطبیقی اصول و مبانی این دو نظام می‌پردازد. همچنین تلاش می‌شود تا نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها شناسایی شده و راهکارهایی برای تقویت پاسخ‌های مؤثر و انسانی به جرایم این گروه سنی ارائه شود. امید است که نتایج این تحقیق بتواند زمینه‌ساز اصلاح و بهبود نظام عدالت کیفری در کشورهای اسلامی و حرکت به سوی رویکردی انسانی‌تر و کارآمدتر باشد.

مفهوم جرم در پست‌مدرنیسم، تأکید بر ذهنیت و هویت است؛ زیرا در دیدگاه پست‌مدرن، جرم غالباً با مسائل هویتی مانند نژاد، جنسیت و طبقه اجتماعی مرتبط است. آنچه جرم شناخته می‌شود، ممکن است به هویت اجتماعی فرد وابسته باشد و همچنین به‌طور خاص به چگونگی جرم‌انگاری گروه‌های حاشیه‌ای توسط دولت و جامعه مرتبط باشد. علاوه بر این، در خصوص اینکه چه نوع رفتارهایی باید مشمول مجازات شوند و به‌طور رسمی جرم شناخته شوند،

اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. در این راستا، تعریف جرم تحت تأثیر عوامل فرهنگی و تاریخی قرار دارد و به نوعی به انتخاب و تفسیر بستگی دارد. از آنجا که هیچ تعریف قطعی و جهانی از جرم و مصادیق آن وجود ندارد، هر تعریفی از جرم ریشه در زمینه‌های فکری و فلسفی خاص خود دارد. همچنین جرم‌شناسان پست‌مدرن با جامعه‌شناسانی موافقاند که جرم را برساختی اجتماعی و به عنوان صدمه و خسارت محسوب می‌کنند و منبع اصلی این صدمه را ساختار قدرت با تأکید بر زبان می‌دانند. روابط نامتناسب قدرت مبتنی بر ساختارهای تمایز شرایطی را فراهم می‌کند که جرم را به عنوان صدمه تعریف می‌کند. بدین سان این جرم‌شناسی برای جرم و قانون به عنوان معرف آن، حقیقت ذاتی قائل نیست، موضوعی که متأثر از پست‌مدرنیسم است (نجفی ابرنآبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴).

همچنین از محورهای اصلی جرم‌شناسی پست‌مدرن، نقد ساختارهای قدرت و سلطه است. ساختارهای سنتی عدالت کیفری معمولاً تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی قرار دارند و بیشتر به حفظ وضعیت موجود و کنترل اجتماعی می‌پردازند تا اصلاح و بازپروری مجرمین، این وضعیت به بازتولید نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در نظام کیفری منجر شده است.

#### ۱. جرایم اطفال و نوجوانان در سنجه جرم‌شناسی پست‌مدرن

هر جامعه‌ای در قبال پدیده مجرمانه، واکنش‌هایی از خود نشان می‌دهد که حفظ نظم و منافع عمومی و حمایت از افراد و حقوق آنها، ضرورت اعمال چنین واکنش‌هایی را در مقابل قانون‌شکنان ایجاب می‌کند. با توجه به تفاوت‌های آشکاری که میان سیستم‌های عدالت کیفری وجود دارد، رویکرد کشور ایران در پاسخ به پدیده مجرمانه متفاوت است. با این حال در نظام‌های حقوقی داخلی در خصوص نحوه عکس‌العمل در قبال رفتار مجرمانه کودکان و نوجوانان معارض با قانون طیف وسیعی از انواع واکنش‌ها پیش‌بینی شده است.

بی‌شک، بزهکاری و جرایم شهری موجب توسعه‌ی طبیعی قلمرو فعالیت و حیات بزهکاران در یک کشور است (گسن، ۱۳۹۷: ۸۶). بر این اساس، با توجه به افزایش آمار بزهکاری اطفال و نوجوانان، حساسیت و شرایط خاص آنها، ضرورت استفاده از علم جرم‌شناسی پست‌مدرن و استفاده از واکنش‌های متناسب و متنوع از سوی قانون‌گذار در مقابل جرم به عنوان واکنشی روانی بر اساس منطق فازی جرم‌شناسی پست‌مدرن ضروری به نظر می‌رسد. رویکرد جرم‌شناسی پست‌مدرن بر آنست که اقدامات واکنشی نسبت به جرایم اطفال و نوجوانان باید با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و آموزه‌های حقوقی و تاریخی هر کشور اتخاذ شود؛ زیرا اغلب کودکان و نوجوانان تحت تأثیر آن شرایط دست به ارتکاب جرم می‌زنند. قبل از انقلاب اسلامی ایران چون تقسیم‌بندی جرایم و مجازات‌ها مبتنی بر حقوق غرب بود، بین انواع جرایم اطفال و نوجوانان تفاوت وجود داشت و صرفاً شدت و

ضعف مجازات در نظر گرفته می‌شود. برابر جرم‌شناسی پست‌مدرن (به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی)، توسل به حقوق کیفری باید در آخرین مرحله و در کمترین سطح ممکن برگزیده شود. رعایت اصول حقوق شهروندی متضمن این معناست که به غیر از موارد ضروری، حقوق کیفری مداخله ننماید. عدم رعایت این قاعده موجب تورم حقوق کیفری و جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌شود. درنهایت، عدم رعایت نظریه حداقل مداخله، خود عاملی برای افزایش تعداد جرایم می‌گردد (وجدانی فخر و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۳۱).

بنابراین از گذشته تا امروز به موازات اعمال مجازات بر بزهکاران، نگرش‌های متعددی در زمینه واکنش‌های اتخاذ شده در مورد جرایم اطفال و نوجوانان مطرح شده است؛ که به پاسخ‌دهی در قبال جرایم اطفال و نوجوانان می‌نگرند. همچنین نگرش گونه‌شناسانه به تحولات پاسخ‌دهی به بزهکاری، نه تنها زمینه شناخت مدل حاکم بر نظام عدالت کیفری ملی را در این مورد ایجاد می‌کند، بلکه موجبات تأمل و تعمق در اوضاع و احوال اجتماعی مؤثر بر بروز و کاربرد آن‌گونه پاسخ‌دهی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که چه بسا، ضرورتاً ماهیت و مؤلفه‌های پاسخ به بزهکاری در نظامی حقوقی کیفری کشورهای اسلامی (سیاست جنایی) در قالب الگو یا مدلی خاص به‌طور کامل تبیین‌پذیر نباشد، بلکه بخش‌ها یا جنبه‌هایی از آن با توسل به الگو یا مدل دیگری قابل بررسی و تحلیل باشد. این وضعیت درباره‌ی بسیاری از نظام‌های پاسخ‌دهی به بزهکاری به‌طور کلی و پاسخ‌دهی به بزهکاری اطفال به‌طور خاص صادق است، اما نکته‌ی توجه برانگیز در این خصوص آن است که همواره در نظام‌های عدالت کیفری ایران، مصر و عربستان اشخاص، الگو یا الگوهای خاصی از پاسخ‌دهی، بر سایر الگوها حاکم و غالب بوده است و چه بسا در موارد استثنایی، به الگوها و گونه‌های دیگر پاسخ‌دهی متوسل می‌شود.

## ۲. الگوهای پاسخ‌دهی به جرایم کودکان و نوجوانان

یکی از مباحث مهم در رابطه با جرایم اطفال و نوجوانان اتخاذ نوع الگوی پاسخ‌دهی به آن است که به‌طور کلی می‌توان این الگوها را در قالب چهار نوع ترمیمی، کیفری، تخمینی و بازپروری مورد توجه قرار داد.

الگوی عدالت کیفری به عنوان یک چارچوب نوین، تلاش می‌کند تا پاسخ‌های سنتی کیفری به جرایم کودکان و نوجوانان را به چالش بکشد و به جای تمرکز صرف بر مجازات و کنترل، به توسعه مهارت‌ها، توانمندسازی و مشارکت فعال نوجوانان در جامعه بپردازد. این مدل تأکید می‌کند که رفتارهای بزهکارانه در نوجوانی باید در بستر رشد و توسعه طبیعی آنها فهمیده شود و مداخلات باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که فرصت‌های اجتماعی و آموزشی را برای آنان بازسازی کند (Keese & Haines, 2018: 208).

عدالت کیفری اطفال و نوجوانان یکی از حوزه‌هایی است که همواره محل مناقشه سیاست‌گذاران در انتخاب برنامه‌ها و سیاست‌های منطقی قرار دارد. دغدغه آنان برای کاهش تکرار جرم اطفال و موجب شکل‌گیری رویکردهای متفاوتی شده که مدل عدالت و مدل رفاه جزء مهم‌ترین آنهاست. مدل عدالت بر مفهوم نوجوانان بزهکار به عنوان یکی از منابع خطر تأکید می‌کند که به دنبال اجرای کیفرهای سخت‌گیرانه برای تحقق خواسته‌های عمومی است. در مقابل، مدل رفاه بر مفهوم کودک در معرض خطر و نیازهای وی تمرکز می‌کند تا جرایم وی و به دنبال بازتوان‌بخشی آنان است.

هر اندازه که الگوی عدالت ترمیمی بر ضرورت اتفاق و اجماع و گفت‌وگو بین بزه‌دیده و بزهکار و جبران خسارت بزه‌دیده تأکید دارد، الگوی عدالت کیفری مجازات بزهکار و ضرورت واکنش جزایی را مناسب می‌داند. در این الگو، تأکید اصلی به جای بزهکار و اوضاع و احوال فردی و محیطی ناظر به او، بر عمل مجرمانه است. در واقع، نظام عدالت کیفری پس از وقوع جرم از رهگذر مجازات که دست‌کم با رنج ناشی از بزهکاری برابر است به بزهکار پاسخ می‌دهد تا عدم تعادلی که به واسطه جرم پدید آمده است، جبران شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۲۹). در انتقاد نسبت به الگوی عدالت کیفری یا به تعبیری رویکرد سزاگرایی نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان گفته شده است: «رویکرد سزاگرایی در مقام ریشه‌یابی علت ارتکاب جرم و وضعیت مجرم نبوده و به اراده آزاد مرتکب در ارتکاب جرم نظر داشته و در تعیین تناسب میان جرم و مجازات به میزان سرزنش‌پذیری رفتار و صدمه وارده توجه می‌کند. همچنین سزاگرایی به گذشته نگاه داشته و آینده‌نگر نیست؛ تأثیر اجتماعی کیفر را نادیده گرفته و با توجه به نحوه ارتکاب جرم و بررسی مؤلفه‌های آن کمتر به ملاحظه‌های اجتماعی در مورد کیفردهی توجه می‌کند.» (قورچی بیگی و شهرانی، ۱۳۹۷: ۱۶۳). بنابراین اگرچه عدالت کیفری ضامن و نگهبان حقوق و آزادی‌های فردی و امنیت جانی و مالی افراد است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲)، اما همواره اولویت تدابیر کنشی بر اقدامات واکنشی رجحان می‌یابد.

از دیدگاه علمی هر اقدام کنشی با هدف محدود ساختن امکان ارتکاب جرم از گذر دشوار کردن یا کاهش احتمال ارتکاب آن، بدون اینکه در این راه بر تهدید کیفر تکیه و تأکید شود، حائز اهمیت است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). براین اساس، مداخله پیش‌دستانه و زودرس در رویکرد عدالت تخمینی یکی از ابعاد کلیدی این الگو است که بر شناسایی و مداخله در مراحل اولیه رفتارهای مجرمانه تمرکز دارد. هدف اصلی این است که با شناسایی خطرات بالقوه در مراحل ابتدایی، از وقوع جرایم جدی‌تر جلوگیری شود. در این رویکرد، به‌جای صرفاً برخورد با نتایج رفتار مجرمانه، پیش‌بینی و مداخله پیش از ارتکاب جرم مورد

توجه قرار می‌گیرد. این مداخلات ممکن است شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای، برنامه‌های درمانی و یا نظارت‌های خاص برای نوجوانان یا افرادی باشد که رفتارهای پرخطر از خود بروز می‌دهند. مبنای نظری الگوی عدالت تخمینی، با مدیریت خطر ایدئولوژی قانون و نظم، بر این فرض استوار است که رفتارهای جنایی و مجرمانه قابل پیش‌بینی و کنترل هستند. در این الگو، توجه به ارزیابی‌های علمی و آماری برای شناسایی خطرات بالقوه از جمله خطر ارتکاب جرم مجدد در آینده به عنوان یکی از اصول اساسی مطرح می‌شود. این رویکرد با بهره‌گیری از ابزارهای پیش‌بینی، به جای اتکا به مجازات‌های صرف، بر کاهش خطر و مدیریت آن تأکید دارد؛ بنابراین، تصمیمات قضایی بر اساس تحلیل داده‌های مختلف از جمله سوابق جنایی، وضعیت روان‌شناختی و شرایط اجتماعی فرد مجرم اتخاذ می‌شود تا در نهایت به جامعه کمک کند تا از بازگشت مجدد به جرم جلوگیری شود (Andrews, 2010: 47-49).

از سوی دیگر، این الگو در چارچوب ایدئولوژی قانون و نظم قرار می‌گیرد که هدف آن حفظ امنیت عمومی و نظم اجتماعی است. در این چارچوب، نظارت و کنترل دقیق بر افراد به‌ویژه افرادی که به عنوان مجرم شناخته می‌شوند، به منظور جلوگیری از تهدیدات بالقوه امنیتی به کار می‌رود. الگوی عدالت تخمینی با استفاده از مدل‌های ریاضی و آماری، به مسئولان قضایی امکان می‌دهد که با دقت بیشتری پیش‌بینی کنند که کدام افراد بیشتر احتمال دارد که مجدد به ارتکاب جرم بپردازند و این امر می‌تواند منجر به مداخلات هدفمندتری در جهت اصلاح و بازگشت این افراد به جامعه شود (Cullen, 2013: 649).

بنابراین در نتیجه این رویکرد، مداخله برای پیشگیری از بزهکاری اطفال، ممکن است به سطح پیشگیری از آسیب‌دیدگی و یا بزه‌دیدگی وی منجر شود. در این الگو، هدف پیش‌بینی رفتارهای آینده مجرمان کودک و نوجوان است تا بتوان خطرات ناشی از ارتکاب جرم‌های مجدد را مدیریت کرد؛ به عبارت دیگر، به‌جای تمرکز صرف بر مجازات جرم گذشته، از ابزارهای پیش‌بینی‌گر (مانند ارزیابی‌های ریسک و تحلیل‌های آماری) استفاده می‌شود تا تصمیمات قضایی با در نظر گرفتن احتمال ارتکاب جرم مجدد اتخاذ شوند. این ارزیابی‌ها معمولاً شامل داده‌های شخصی، روان‌شناختی و اجتماعی نوجوان است تا یک برنامه درمانی و بازپروری مؤثر ارائه شود. الگوی عدالت تخمینی برای جرایم اطفال، یک رویکرد ترکیبی است که هدف آن ترکیب پیشگیری، بازپروری و ارزیابی ریسک است. این مدل به‌جای تمرکز صرف بر مجازات، بر پیش‌بینی رفتارهای آینده اطفال و نوجوانان و استفاده از مداخلات مبتنی بر رفا و درمان تأکید دارد. از طریق این رویکرد، سیستم قضایی می‌تواند نه تنها از ارتکاب جرم‌های آینده جلوگیری کند، بلکه به نوجوانان کمک کند تا به‌طور مؤثرتر به جامعه بازگردند (Lipsey, 2021: 310). ارتقای سرعت در فرایند رسیدگی، مداخله زودرس در

امور اطفال و نوجوانان، کاهش سن مسئولیت کیفری یا تشدید پاسخ‌های کیفری به اطفال و نوجوانان بزهکار یا معارض قانون از ویژگی‌های این الگو می‌باشد.

الگوی بازپروری به عنوان سومین الگوی ناظر به عدالت در جرایم اطفال و نوجوانان، بر این موضوع تأکید دارد که نوجوانان از نظر ویژگی‌های شناختی و اندیشه‌ی بازپروری احساسی متفاوت از بزرگسال می‌باشند، یکی از جلوه‌های افتراقی در مبانی فکری پاسخ‌دهی به رفتار مجرمانه بزهکاران، پذیرش اندیشه «حق بر بازپروری» به جای «حق بر مجازات شدن» برای اطفال و نوجوانان است. حق برخورداری از بازپروری یکی از بارزترین حقوق بشری به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که فرد از سنین کودکی و در تمام مراحل زندگی خود حتی زمانی که به دلیل ارتکاب جرم محکوم به مجازات می‌شود، از این حقوق برخوردار است. از این رو، تمامی دولت‌ها و حاکمان صرف نظر از آنکه اعضای جامعه تابع چه دین و آیینی هستند، ضمن رعایت حقوق برابر آنان از جهات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، متعهد هستند زمینه‌ای مناسب را برای رشد و تعالی کودکان و به‌ویژه کودکان بزهکار فراهم آورند. از جمله حقوق بنیادین خانواده بشری، حق برخورداری از اصلاح و بازپروری است. اجرای این حق نقش به‌سزایی در جایگزین ساختن ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با تحولات اجتماعی به صورت همگانی و گسترده در زندگی جمعی ایفا می‌کند (وورایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۹-۴۸)؛ زیرا دغدغه اصلی عدالت کیفری هر کشوری، بیش از هر چیزی، اصلاح و بازپروری بزهکاران و به‌ویژه اطفال و نوجوانان بزهکار است و به همین دلیل در عرصه عدالت کیفری در راستای بازپروری اطفال بزهکار، حقوق کیفری به شکل‌های مختلفی به رفتار مجرمانه پاسخ می‌دهد.

تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی پست‌مدرن و الگوی بازپروری در عدالت کیفری کودکان و نوجوانان، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین گذشته، گام‌های مثبتی به سمت اجرای اندیشه بازپروری برداشته است که نمونه آشکار آن را می‌توان در تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی، بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا نیز دو کیفر اقامت در منزل در ساعات معین و نگهداری در پایان هفته در قانون اصلاح و تربیت به فهرست قبلی کیفرها اضافه شده است تا مجموعه ضمانت‌اجراهایی برای اصلاح و درمان اطفال و نوجوانان بزهکار به‌کار گرفته شود. جدای از این، مواردی همچون امکان تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات تمامی جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان و فقدان آثار کیفری محکومیت‌های آنها نیز در شمار اقداماتی هستند که به نظر می‌رسد بر مبنای اندیشه بازپروری در قانون ذکر شده‌اند (صادقی، ۱۳۹۹: ۱۶۵).

### ۳. نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان

نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان یک رویکرد جامع و پیشگیرانه است که به

جای تمرکز صرف بر مجازات، به اصلاح، آموزش و پیشگیری از رفتارهای مجرمانه در میان کودکان و نوجوانان می‌پردازد. این نظام، با در نظر گرفتن ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی این گروه سنی، بر شناسایی عوامل بزهکاری، حمایت، توانمندسازی و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح زندگی تأکید دارد. بی‌شک عوامل خطر بزهکاری اطفال با یکدیگر تعامل داشته و همدیگر را تقویت می‌کنند (کاریو، ۱۳۸۱: ۲۸). لذا، تأسی از آموزه‌های جرم‌شناسی پیشگیری اولویت می‌یابد.

جرم‌شناسی پیشگیری مطالعه‌ی علمی روش‌های پیشگیری از بزهکاری است (ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۱۱). برنامه‌های بازپروری تخصصی و ایجاد مراکز خاص برای نگهداری، آموزش و بازپروری اطفال و نوجوانان مجرم، به دور از زندان‌های بزرگسالان. ارائه مهارت‌های شغلی، آموزشی و اجتماعی برای کمک به بازگشت موفق آنها به جامعه.

ابزارها و روش‌های استفاده از روش‌های کنشی اتخاذ شده نیز آموزش و آگاهی‌رسانی و برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای نوجوانان درباره مسائل اخلاقی، مهارت‌های زندگی و کنترل احساسات. تقویت پلیس جامعه‌محور و ایجاد ارتباط نزدیک میان پلیس و جوامع برای شناسایی و حل مشکلات نوجوانان. فناوری‌های نوین و استفاده از تحلیل داده‌ها برای شناسایی الگوهای رفتاری پرخطر در نوجوانان. همکاری بین‌نهادی تعامل نزدیک میان مدارس، نهادهای اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی و خانواده‌ها. این رویکرد بر اساس اصول انسانی، تربیتی و اجتماعی شکل گرفته و هدف آن ایجاد جامعه‌ای امن‌تر و پربارتر برای آینده است.

### ۱-۳. برنامه‌های بازپروری تخصصی

یکی از روش‌های پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی برنامه‌های تخصصی بازپروری اطفال و نوجوانان است که هدف اصلی‌شان اصلاح و بازگشت مجرمان به جامعه به‌طور سالم و مفید است. این برنامه‌ها معمولاً شامل دوره‌های آموزشی و توانمندسازی، استفاده از آموزه‌های دینی و سایر روش‌های درمانی و روان‌شناختی می‌شوند. در ادامه، این برنامه‌ها را به تفصیل توضیح داده می‌شود.

### الف. دوره‌های آموزشی و توانمندسازی

برنامه‌های بازپروری در کشورهای اسلامی غالباً شامل دوره‌های آموزشی مختلفی هستند که هدف‌شان اصلاح رفتار، آموزش مهارت‌های زندگی و آماده‌سازی نوجوانان برای بازگشت به جامعه است. این دوره‌ها می‌توانند شامل موارد زیر باشند؛ آموزش‌های اجتماعی و اخلاقی که در این دوره‌ها، نوجوانان درباره رفتارهای اجتماعی صحیح، مسئولیت‌پذیری، تعاملات مثبت با

دیگران و رعایت حقوق فردی آموزش می‌بینند. این آموزش‌ها کمک می‌کند که نوجوانان آگاهی بیشتری از عواقب رفتارهای نادرست خود پیدا کنند و یاد بگیرند که چگونه با دیگران ارتباط سالم برقرار کنند. آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای که در بسیاری از سیستم‌های بازپروری، نوجوانان به مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای آموزش داده می‌شوند. این دوره‌ها می‌توانند شامل مهارت‌های فنی (مانند نجاری، برق‌کاری و تعمیرات) یا مهارت‌های نرم (مانند کار گروهی، مدیریت زمان و مذاکره) باشند. هدف از این آموزش‌ها آماده‌سازی نوجوانان برای کسب درآمد و اشتغال است. آموزش‌های روان‌شناختی و درمانی که در این بخش، نوجوانان تحت مشاوره‌های روان‌شناختی و درمانی قرار می‌گیرند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل جلسات مشاوره فردی، گروهی یا خانواده‌درمانی باشند. هدف این آموزش‌ها کمک به نوجوانان برای درک بهتر خود، شناسایی مشکلات رفتاری و عاطفی‌شان و پیدا کردن راه‌حلی برای مقابله با مشکلات شخصی و اجتماعی است.

## ب. استفاده از آموزه‌های دینی

در کشورهای اسلامی، آموزه‌های دینی نقش مهمی در بازپروری اطفال و نوجوانان دارند. در این روش‌ها، مباحث دینی برای اصلاح رفتار و بازگشت مجرمان به جامعه استفاده می‌شود. برخی از جنبه‌های استفاده از آموزه‌های دینی در بازپروری عبارتند از: مفاهیم توبه و اصلاح: در اسلام، مفهوم توبه به عنوان یکی از اصول مهم برای بازگشت به مسیر درست مطرح است. بازپروری نوجوانان به وسیله آموزه‌های دینی، نوجوانان را تشویق می‌کند که به عنوان بخشی از فرآیند اصلاح خود، از رفتارهای نادرست پشیمان شوند و به سوی بهبود حرکت کنند. این مفهوم کمک می‌کند تا نوجوانان به درک عمیقی از خطاهای خود برسند و از آن‌ها درس بگیرند. آموزش اصول اخلاقی اسلامی که اصول اخلاقی مانند صداقت، احترام به حقوق دیگران، کمک به نیازمندان و خودداری از ظلم و فساد در برنامه‌های بازپروری به طور ویژه به نوجوانان آموزش داده می‌شود. این آموزه‌ها نه تنها بر اصلاح رفتار نوجوانان تأثیر دارند، بلکه در بلندمدت موجب شکل‌گیری رفتارهای مثبت و مسئولانه در جامعه خواهند شد. آموزش عبادات و ارتباط با خداوند که نماز، روزه، صدقه و سایر عبادات اسلامی به عنوان ابزاری برای تربیت روحی و اخلاقی نوجوانان استفاده می‌شوند. این آموزه‌ها نه تنها به عنوان یک عمل مذهبی بلکه به عنوان وسیله‌ای برای نظم‌دهی به زندگی روزمره و پرورش معنویت در نوجوانان به کار می‌روند. قصص قرآنی و مثال‌های دینی که در برنامه‌های بازپروری، استفاده از قصص قرآنی و حدیث‌ها برای بیان درس‌های اخلاقی و اجتماعی کاربرد دارد. این داستان‌ها می‌توانند به نوجوانان کمک کنند تا به مفهوم خوب و بد و پیامدهای اعمال خود پی ببرند و همچنین راه‌های صحیح زندگی را از دیدگاه اسلامی بیاموزند.

### ج. درمان‌های روان‌شناختی و اجتماعی

در کنار آموزش‌های دینی و شغلی، برنامه‌های بازپروری در برخی کشورهای اسلامی شامل درمان‌های روان‌شناختی و اجتماعی نیز می‌شوند که هدف آن‌ها تقویت سلامت روانی نوجوانان است. این درمان‌ها شامل موارد زیر می‌شوند:

درمان‌های فردی: در این درمان‌ها، نوجوانان تحت مشاوره‌های فردی قرار می‌گیرند تا مشکلات روانی و رفتاری خود را شناسایی کرده و آن‌ها را حل کنند. مشاوران می‌توانند به نوجوانان کمک کنند تا با اضطراب، افسردگی، مشکلات خانوادگی یا اجتماعی کنار بیایند. درمان‌های گروهی که در این نوع درمان‌ها، نوجوانان به گروه‌های درمانی وارد می‌شوند و تحت هدایت یک روان‌شناس یا مشاور با یکدیگر تعامل می‌کنند. این گروه‌ها معمولاً محیطی حمایتی دارند که نوجوانان می‌توانند تجربیات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و از آن‌ها یاد بگیرند.

درمان‌های خانواده‌محور، در این درمان‌ها، خانواده‌های نوجوانان نیز به فرآیند بازپروری وارد می‌شوند. این برنامه‌ها به‌ویژه برای نوجوانانی که مشکلات خانوادگی دارند مفید است زیرا ممکن است ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری آن‌ها در خانواده باشد.

### د. برنامه‌های اصلاحی مبتنی بر مشارکت اجتماعی

در بسیاری از سیستم‌های بازپروری اسلامی، نوجوانان را در برنامه‌های اجتماعی و خیرخواهانه مشارکت می‌دهند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل: فعالیت‌های داوطلبانه: نوجوانان به‌عنوان بخشی از فرآیند بازپروری در فعالیت‌های اجتماعی و داوطلبانه مانند کمک به نیازمندان، مشارکت در پروژه‌های زیست‌محیطی یا فعالیت‌های آموزشی برای کودکان دیگر مشارکت می‌کنند. این کار به نوجوانان کمک می‌کند تا احساس مسئولیت اجتماعی داشته باشند و نقش مفیدی در جامعه ایفا کنند. آموزش مهارت‌های زندگی، در این برنامه‌ها به نوجوانان آموزش داده می‌شود که چگونه در دنیای واقعی با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و شخصی خود مقابله کنند. مهارت‌هایی همچون مدیریت مالی، حل مسأله و مهارت‌های ارتباطی در این دوره‌ها آموزش داده می‌شود (Hossain, 2021: 157-172).

در مجموع، برنامه‌های بازپروری تخصصی اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی ترکیبی از دوره‌های آموزشی، توانمندسازی، استفاده از آموزه‌های دینی، مشاوره‌های روان‌شناختی و مشارکت اجتماعی است که هدف آن اصلاح رفتار نوجوانان، افزایش مهارت‌های زندگی و بازگشت آن‌ها به جامعه به‌عنوان فردی مفید و مسئول است. این برنامه‌ها نه تنها در کاهش جرم و اصلاح رفتار نوجوانان مؤثر است، بلکه به تقویت بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک می‌کنند.



## ۲-۳. آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای

برنامه‌های بازپروری کودکان و نوجوانان، به‌ویژه آنهایی که از شرایط اقتصادی یا خانوادگی دشوار رنج می‌برند، از مهم‌ترین اقدامات برای ادغام دوباره آنها در جامعه است. در کشورهای اسلامی، این برنامه‌ها شامل آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای و همچنین استفاده از آموزه‌های دینی برای تقویت ارزش‌ها و اخلاق هستند. در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود:

**الف. آموزش مهارت‌های اجتماعی:** هدف از این نوع آموزش، تقویت توانایی‌های کودکان برای تعامل مثبت با دیگران، درک احساسات خود و دیگران و ایجاد روابط سالم و پایدار است. مهارت‌های اجتماعی که در این برنامه‌ها آموزش داده می‌شود عبارتند از: ارتباط مؤثر، آموزش به کودکان برای بیان افکار و احساسات خود به صورت روشن و محترمانه و همچنین تقویت مهارت گوش دادن مؤثر. حل تعارض، آموزش روش‌های حل مسأله و مدیریت تعارض‌ها به صورت مسالمت‌آمیز و سازنده. همکاری و کار گروهی، تشویق کودکان به کار در گروه‌ها و درک اهمیت همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک. براساس مطالعه‌ای که در نشریه «مطالعات کودکی و تربیتی» منتشر شده است، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان دارای ناتوانی‌های ذهنی، تأثیر قابل‌توجهی بر بهبود تعاملات اجتماعی و افزایش توانمندی‌های آنها دارد.

**ب. آموزش مهارت‌های حرفه‌ای** که این بخش از برنامه‌ها بر آموزش مهارت‌هایی تمرکز دارد که به کودکان کمک می‌کند در آینده وارد بازار کار شوند و به استقلال مالی برسند. این آموزش‌ها شامل: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای؛ مانند نجاری، خیاطی و کشاورزی که به کودکان مهارت‌های دستی می‌آموزد تا بتوانند معاش خود را تأمین کنند. آموزش‌های فنی و تکنولوژیکی که شامل مهارت‌های پایه‌ای کار با رایانه که در بسیاری از مشاغل امروزی ضروری است. طبق گزارشی که در وبسایت بانک جهانی منتشر شده است، بازپروری کودکان سرباز در خاورمیانه نیازمند حمایت روانی- اجتماعی و آموزش حرفه‌ای است که آنها را برای ورود مجدد به جامعه آماده می‌کند.

**ج. استفاده از آموزه‌های دینی** که نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار کودکان و نهادینه‌سازی ارزش‌ها و اخلاقیات مثبت دارند. در برنامه‌های بازپروری از این آموزه‌ها به شکل زیر بهره‌برداری می‌شود. اصلاح مفاهیم نادرست، به‌ویژه برای کودکانی که در معرض افکار افراطی قرار گرفته‌اند، از طریق توضیح آموزه‌های صحیح دینی. آموزش عبادات، آموزش عبادات اسلامی به عنوان ابزاری برای پرورش روحیه نظم، معنویت و اخلاق. معمولاً کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی با نگرش حق‌محور به این مهم خود را از نوعی الزام برخوردار می‌کنند که به منظور استیفای این حقوق، آموزش همگانی را برای شهروندان فراهم سازند

(دارابی، ۱۴۰۳: ۱۱۸). روشن است، تدابیر آموزشی در مدارس با تأکید بر پیشگیری رشدمدار، از قبیل سازماندهی مجدد کلاس‌های درسی، مدیریت شیوه‌های مداخله در آموزش کلاس‌ها، مدیریت مدارس، راهبردهای انضباطی، حضور مشاور مخصوص دانش آموزان و... می‌تواند نقش به‌سزایی در این خصوص داشته باشد (عبداللهی، ۱۴۰۳: ۱۹۶).

در رابطه با نمونه‌هایی از برنامه‌های بازپروری در کشورهای اسلامی می‌توان به مرکز امداد و اقدامات بشردوستانه ملک سلمان را نام برد که این مرکز پروژه بازپروری کودکان سرباز و آسیب‌دیده از درگیری‌های مسلحانه در یمن را اجرا می‌کند که در آن خدمات روان‌شناختی، اجتماعی و آموزشی برای بازگشت این کودکان به جامعه ارائه می‌شود. برنامه توانمندسازی در توسعه اجتماعی که هدف این برنامه تقویت همکاری‌های فنی و تبادل تجربیات میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در حوزه‌های توسعه اجتماعی، از جمله آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای برای کودکان و جوانان است. این برنامه‌ها، با آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای، به‌ویژه برای کودکانی که در شرایط اقتصادی یا خانوادگی دشوار زندگی می‌کنند، رویکردی اثربخش برای اصلاح رفتار و بازگشت آنها به جامعه است. همچنین استفاده از آموزه‌های دینی به تقویت ارزش‌های اخلاقی و روحیه معنوی آنها کمک می‌کند و باعث می‌شود آنها به شهروندانی مسئول و مفید تبدیل شوند.

#### ۴. تأثیر جرم‌شناسی پست‌مدرن بر نظام پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان

جرم‌شناسی پست‌مدرن با تأکید بر انسان‌محوری، عدالت ترمیمی و کاهش تمرکز بر مجازات‌های سنتی، نقش مهمی در تحول نظام پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان ایفا می‌کند. در این رویکرد، توجه به ویژگی‌های شخصیتی، شرایط محیطی و اجتماعی مجرمان کودک و نوجوان به جای صرفاً تمرکز بر عمل مجرمانه، در اولویت قرار می‌گیرد.

جرم‌شناسی پست‌مدرن تلاش می‌کند به جای مجازات صرف، با استفاده از روش‌های ترمیمی، آسیب‌های ناشی از جرم را جبران کند. در این رویکرد؛ بازپروری مجرم، به جای زندان یا مجازات سخت، اطفال و نوجوانان به برنامه‌های تربیتی، مشاوره روان‌شناختی و آموزش مهارت‌های اجتماعی هدایت می‌شوند. جامعه، خانواده قربانی و مجرم به عنوان بخش‌های کلیدی فرایند ترمیم وارد عمل می‌شوند. همچنین یکی از اصول پست‌مدرن، اجتناب از برچسب‌زنی و انگ زنی به مجرمان جوان است. این اصل بر این باور است که برچسب «مجرم» می‌تواند تأثیرات منفی بر هویت و آینده کودک بگذارد. لذا در کشورهایی که به دنبال آموزش، تأمین اجتماعی و رفاه همگانی‌اند بزهکاری به سهولت محقق نمی‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۳: ۵۷۸). بر این اساس، برون‌داد نهایی برنامه‌های پیشگیری از جرم تابع رویکردی تلفیقی است که با استفاده از تدابیر توان‌افزای کنشی یا تدافعی سعی در عقب‌راندن

موج بزهکاری باشد (دارابی، ۱۴۰۴: ۱۲۶).

جرم‌شناسی پست‌مدرن به پیشگیری به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی توجه دارد و در این راستا آموزش مهارت‌های زندگی را برای جلوگیری از بروز جرم، کودکان و نوجوانان مهارت‌هایی مانند کنترل خشم، حل تعارض و تصمیم‌گیری را فرا می‌گیرند. همچنین با شناسایی زود هنگام عوامل خطر و مداخلات زود هنگام مانند شناسایی شرایط خانوادگی نامناسب یا مشکلات تحصیلی، از وقوع جرم پیشگیری می‌شود. رویکرد پست‌مدرن، با تمرکز بر فردی‌سازی مجازات‌ها (تعیین پاسخ به جرم متناسب با شرایط خاص هر کودک یا نوجوان) از جمله وضعیت روانی و اجتماعی فرد به طور مثال، اگر کودک در محیطی ناسالم یا تحت فشارهای خانوادگی رشد کرده باشد، مجازات جای خود را به برنامه‌های حمایتی و مشاوره‌ای می‌دهد. و نوع جرم و شدت آن، پاسخ‌دهی به جرایم خفیف از طریق اقدامات اصلاحی و آموزشی و برای جرایم شدیدتر با برنامه‌های طولانی‌مدت بازپروری انجام می‌شود؛ بنابراین حقوق کیفری پست‌مدرن با ایجاد تغییراتی در نظام عدالت کیفری سنتی، از تمرکز بر مجازات‌های سخت به سمت راهکارهای انسانی‌تر حرکت می‌کند. در رابطه با تغییرات و اصلاح نظام عدالت کیفری در راستای پاسخ‌دهی کنشی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌توان به دادگاه‌های تخصصی کودکان اشاره نمود (غلامی، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۱۶۵). که این دادگاه‌ها بر مبنای اصولی مانند حفظ منافع عالی کودک، دادرسی غیررسمی و جلوگیری از آسیب‌های روانی کودک فعالیت می‌کنند. کاهش استفاده از زندان به جای حبس، از جایگزین‌هایی مانند خدمات عمومی، نظارت اجتماعی یا برنامه‌های آموزشی استفاده می‌شود. تأکید بر حقوق کودک و رعایت حقوق اساسی آنها، از جمله حق به وکیل، حمایت از حریم خصوصی و رفتار انسانی در تمام مراحل دادرسی مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت حقوق کیفری پست‌مدرن با تمرکز بر بازپروری، اصلاح و حمایت از کودکان و نوجوانان، به جای استفاده از روش‌های تنبیهی سنتی، نقشی اساسی در بهبود نظام پاسخ‌دهی به جرایم ایفا می‌کند. این رویکرد به دنبال آن است که به جای طرد این افراد از جامعه، آنها را به شهروندانی مسئول و سازنده تبدیل کند. برنامه‌های آموزشی، مشاوره روان‌شناختی، مداخلات پیشگیرانه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، همگی از جمله ابزارهایی هستند که در چارچوب این دیدگاه به کار گرفته می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

عدالت کیفری برآیندی از تعامل حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دانش‌های زیرمجموعه و مرتبط با آنهاست. به همین خاطر، عدالت کیفری، صرفاً مفهوم محض فلسفی - نظری نیست، بلکه چگونگی واکنش نسبت به بزهکار با توجه به رویکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مختلف، موجب ایجاد الگوها یا گونه‌های متفاوتی از آن شده است. این وضعیت، هم در سطح ملی و هم در قلمرو بین‌المللی قابل بررسی و پی‌جویی است. بدون شک عوامل مختلف و متعددی در گوناگونی پاسخ‌ها به بزهکاری تأثیر دارند که بررسی نقش و سهم آنها نیازمند بررسی ویژه است. نکته‌ی اساسی آن است که با توجه به انواع واکنش‌ها نسبت به بزهکاری اطفال، می‌توان آنها را در الگو یا گونه‌ها (مدل‌های) معینی بررسی کرد. طبقه‌بندی الگوهای پاسخ‌دهی به بزهکاری، این امکان را نیز به وجود می‌آورد که ضمن ارزیابی دقیق‌تر آثار و نتایج آنها، به بررسی مدل یا الگوی استفاده شده در نظام سیاست‌گذاری جنایی/کیفری ملی نیز پرداخته شود و آثار و نتایج آن مورد تحلیل قرار گیرد. بی‌تردید ظهور و بروز الگوهای متفاوت پاسخ‌دهی به بزهکاری در دوره‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جامعه‌ای خاص، صرف نظر از تفاوت ماهیت، مؤلفه‌ها و عناصر بزهکاری اطفال در دوره‌های مذکور، تحت تأثیر همان شرایط فراگیر سیاسی، اقتصادی و... است.

انتخاب الگوی مناسب در برخورد با بزهکاری اطفال و نوجوانان با توجه به وضعیت جسمی و روحی روانی آنان و همچنین در حال تکوین بودن شخصیت آنان و لزوم تلاش برای جامعه‌پذیری آنان، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ و ضرورت طراحی راهبرد کنشی با تأکید بر اقتناع‌سازی جامعه را نمایان می‌سازد. بر این اساس، اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) و اقدام‌های وضعی سنتی - فنی - فناوریانه (پیشگیری وضعی) به عنوان یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده راهبرد دولت برای تأمین امنیت (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۲۲۰) و حقوق کیفری به عنوان منبع اصلی راهبرد واکنشی و حقوق پیشگیری به مثابه منبع اصلی راهبرد کنشی در برابر بزهکاری اطفال محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۲).

نتایج در این مقاله نشان داد حقوق کیفری پست‌مدرن با بازنگری در مفاهیم سنتی عدالت کیفری، زمینه‌ای را فراهم کرده است که عدالت به جای تمرکز بر مجازات صرف، بر بازپروری، اصلاح و ترمیم آسیب‌ها متمرکز شود. این تحول، به‌ویژه در برخورد با جرایم اطفال و نوجوانان که یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه به شمار می‌روند، نقش حیاتی ایفا می‌کند. رویکرد کنشی در حقوق کیفری پست‌مدرن، با تأکید بر بازپروری فرد، به جای تقابل با جامعه، راهکارهایی همچون آموزش مهارت‌های اجتماعی و حرفه‌ای، استفاده از آموزه‌های

دینی، مداخلات پیشگیرانه و مشاوره روان‌شناختی را به عنوان جایگزین‌های مجازات‌های سنتی ارائه می‌دهد. این اقدامات نه تنها از تکرار جرم پیشگیری می‌کنند، بلکه موجب بازگشت نوجوانان به جامعه به عنوان اعضای مسئولیت‌پذیر و سازنده می‌شوند. از سوی دیگر، حقوق کیفری پست‌مدرن با پذیرش مفاهیمی همچون عدالت ترمیمی، پرهیز از انگ‌زنی و فردی‌سازی مجازات‌ها، تلاش می‌کند تا نیازهای فردی و اجتماعی مجرمان کودک و نوجوان را در نظر گرفته و به جای تنبیه، مسیری برای بازسازی شخصیت آنها فراهم کند.

به‌ویژه در کشورهای اسلامی، آموزه‌های دینی نقش مهمی در نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی و معنوی در کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند و به آنها کمک می‌کنند تا مسیر زندگی خود را اصلاح کرده و در جامعه پذیرفته شوند؛ بنابراین در پهنه‌ی پیشگیری فردمدارانه پیوسته به جامعه‌پذیر و هنجارمند شدن افراد و شکل‌گیری شخصیت این طیف از بزهکاران به صورت شایسته توجه می‌شود (نیازپور، ۱۴۰۲: ۱۰۲) و برای بهبود شرایط جرایم اطفال و نوجوانان و ایجاد یک نظام پاسخ‌دهی کنشی کارآمد، نیازمند رویکردی جامع و انسانی هستیم که به جای تمرکز صرف بر مجازات، به بازپروری و اصلاح این گروه آسیب‌پذیر بپردازد. این رویکرد باید با شناسایی عوامل خطر ساز مانند فقر، خشونت خانگی و ترک تحصیل، همراه با مداخلات زود هنگام و برنامه‌های حمایتی، می‌تواند از ورود کودکان به مسیر بزهکاری جلوگیری کند؛ و به جای مجازات سخت، تمرکز بر جبران خسارت، آشتی و مصالحه بین کودک بزهکار و قربانی، هم به بازسازی روابط اجتماعی کمک می‌کند و هم از تکرار جرم پیشگیری می‌کند. این امر با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی و دینی در کشورهای اسلامی، به عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت ارزش‌های اخلاقی، ایجاد احساس مسئولیت و اصلاح رفتار کودکان و نوجوانان به کار گرفته شوند. در نهایت، حقوق کیفری پست‌مدرن با ارائه یک نظام عدالت انسانی‌تر و اصلاح محور، نه تنها پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان را کارآمدتر کرده است، بلکه بر ساختن آینده‌ای بهتر برای این گروه‌ها و جامعه تأکید دارد. این رویکرد، با به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از جرم و اصلاح خطاهای گذشته، می‌تواند به کاهش جرایم در سطح کلان و ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و ایمن‌تر کمک کند.

## منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیشگیری. چاپ هشتم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۹). بزه انگاری عدم انجام تدابیر پیشگیری از بزهکاری در: *دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی*، با کوشش لعیا جنیدی و امیرحسن نیازپور. چاپ اول. انتشارات میزان.
- بابایی، همت‌الله و دیگران. (۱۳۹۹). الگوی پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران. *حقوقی دادگستری*، ۸۴(۱۱۱)، ۱۹۱-۱۷۳.
- [https://www.jlj.ir/article\\_40313.html](https://www.jlj.ir/article_40313.html)
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۳). *پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات میزان.
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۴). *مدل سیاست جنایی ترکیبی*. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- رستمی، هادی و موسوی، سیدپوریا. (۱۳۹۹). مصالح عالی‌ه کودکان و نوجوانان بزهکار در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر پاسخ‌های تعزیرمدار. *حقوقی دادگستری*، ۸۴(۱۱۲)، ۱۵۷-۱۷۷.
- [https://www.jlj.ir/article\\_40314.html](https://www.jlj.ir/article_40314.html)
- شاملو، باقر و حسینی، انسیه. (۱۳۹۹). حق بر سلامت روان کودکان و نوجوانان بزهکار در پرتو عدالت کیفری افتراقی. *تحقیقات حقوقی*، ۲۳(۹۲)، ۹۶-۷۱.
- [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_87613.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_87613.html)
- صادقی، آزاده. (۱۳۹۹). ارزیابی رویکرد بازپروری در کیفرگذاری جرایم اطفال و نوجوانان. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۵۰(۱)، ۱۷۹-۱۶۳.
- [https://jqclcs.ut.ac.ir/article\\_78720.html](https://jqclcs.ut.ac.ir/article_78720.html)
- قورچی بیگی، مجید و شهرانی، معصومه. (۱۳۹۷). میزان صدور احکام بازپرورانه در بزهکاری کودکان و نوجوانان بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. *حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۲)، ۱۸۹-۱۶۱.
- [https://www.jlj.ir/article\\_32737.html](https://www.jlj.ir/article_32737.html)
- عبدالمهی، سامان. (۱۴۰۳). امکان‌سنجی اجرای مدل پیشگیری رشدمدار از گرایش به مصرف مواد مخدر و داروهای روانگردان کودکان کشور انگلستان و ایران. *اعتیاد پژوهی*، ۱۸(۷۲)، ۲۱۰-۱۸۹.
- <https://etiadjpajohi.ir/article-1-3027-fa.html>
- کاری یو، روبر. (۱۳۸۱). *مداخله روانشناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۵(۳۶-۳۵)، ۳۰۴-۲۶۷.
- [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56558.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56558.html)
- گسن، رمون. (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی نخیزش‌های اجتماعی، برگردان و پژوهش*: شهرام ابراهیمی. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و گلدوزیان، حسین. (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی*. پژوهش حقوق کیفری، ۶(۲۳)، ۹-۴۶.
- [https://jclr.atu.ac.ir/article\\_8938.html](https://jclr.atu.ac.ir/article_8938.html)
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۴۰۳). *پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنایی*، مجموعه مقالات در: *تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری*. چاپ سوم. سمت.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی. تحقیقات حقوقی، ۲(۲۵-۲۶)، ۱۲۹-۱۴۹.

[https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56889.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56889.html)

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری. چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). به‌سوی یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری. دیباچه در: دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۹۷). دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش.

- نیازپور، امیرحسین. (۱۴۰۲). پیشگیری از جرم. چاپ دوم. تهران: انتشارات دادگستر.

- وجدانی فخر، عطیه؛ دارابی، شهرداد؛ پاکزاد، بتول و آدابی، حمیدرضا. (۱۴۰۳). اثرگذاری حقوق کیفری پست‌مدرن بر نظام پاسخ‌دهی واکنشی به جرایم اطفال و نوجوانان در کشورهای اسلامی (ایران، مصر و عربستان). فقه و حقوق اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۱۷-۲۵۰.

[https://feqh.semnan.ac.ir/article\\_9875.html](https://feqh.semnan.ac.ir/article_9875.html)

- ویلیامز و دیگران. (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی (ترجمه حمیدرضا ملک محمدی). چاپ اول. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

- Andrews, D. A. & Bonta, J. (2010). *The Psychology of Criminal Conduct* (5th ed.). Cincinnati, OH: Anderson Publishing.

- Cullen, F. T., & Jonson, C. L. (2013). *The Oxford Handbook of Crime and Criminal Justice*. Oxford University Press.

- Hossain, S., & Syed, S. (2021). The Rehabilitation and Reintegration of Juvenile Offenders: Comparative Analysis of Islamic and Western Approaches. *International Journal of Criminal Law*, 157-172.

- Lipsey, M. W., & Cullen, F. T. (2007). The Effectiveness of Correctional Rehabilitation: A Review of Systematic Reviews. *Annual Review of Law and Social Science*, 3(1), 297-320.

<https://www.annualreviews.org/content/journals/10.1146/annurev.lawsocsci.3.081806.112833>